

دوفصلنامه علمی پژوهشی سلفی پژوهی، سال ششم ♦ شماره ۱۲ ♦ پاییز و زمستان ۱۳۹۹
تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۵/۱۶ ♦ تاریخ تأیید: ۱۳۹۹/۰۷/۲۱ ♦ صفحات: ۹۴-۷۷

نقد نظریه خلافت داعش با تأکید بر مبانی اهل سنت

محسن قمی*

میرزاعلی کتابی**

چکیده

دولت اسلامی عراق و شام با همان داعش، عمدتاً با تکیه بر مبانی سلفیت جهادی، بخش‌های وسیعی از عراق و سوریه را تصرف کرد تا بتواند به رویای دیرینه تحقق خلافت اسلامی جامه عمل بپوشد. صرف نظر از حمایت‌های بی‌دریغ قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی که در پیروزی داعش منافع خود را جستجو می‌کردند، تردیدی نیست جذب نیرو و تبلیغات قوی از اقصا نقاط جهان و پویایی داعش، علی‌رغم از دست دادن بسیاری از سرزمین‌های خود، نشان از عقبه فکری و جذابیت ادعاهای آنان در میان بسیاری از مسلمانان اهل سنت دارد. معرفی ابوبکر بغدادی به عنوان خلیفه‌ی همه مسلمانان، تلاشی بود تا اتفاقات صدر اسلام و به خلافت رسیدن خلیفه اول در اذهان مسلمانان بازآفرینی شود. با این همه و علی‌رغم تلاش حامیان فکری و میدانی داعش، خلافت البغدادی از سوی شخصیت‌ها و جریان‌های متعددی از اهل سنت با مبانی کلامی - فقهی متعارض دانسته شد و این جریان نتوانسته است از عهده پاسخ به این نقدها برآید. تبیین هر چه بهتر این واقعیت می‌تواند در دراز مدت و پس از فروکش کردن هیجانات، در ادامه راه این جریان مانع اساسی ایجاد کند و بر جاذبه‌های بدون پشتوانه ایشان فایق آید. در این مقاله تعارض مدعیات داعشیان در بحث خلافت مشروع، بر اساس مبانی مورد قبول اهل سنت (علی‌رغم وجود پاره‌ای اختلافات) تبیین شده و نشان داده‌ایم نظریه‌پردازان این مدعیات، در اثبات مهم‌ترین ارکان حاکمیت اسلامی برای خلافت خود خوانده، یعنی شرایط خلیفه و روش‌های انعقاد خلافت مشروع با مشکل اساسی مواجه‌اند. کلیدواژه‌ها: اهل سنت، سلفیه، داعش، خلافت، ابوبکر بغدادی.

* دانشیار دانشگاه باقرالعلوم (ع)؛ ghomi@iranculture.org

** دانشجوی دکتری دانشگاه باقرالعلوم (ع) (نویسنده مسئول)؛ aliketabi57@gmail.com

مقدمه

زیست انسان، اجتماعی و مبتنی بر قوانین است؛ بنابراین، ضرورت حکومت برای تدوین قوانین، اجرای آن و ضمانت بر اجرای صحیح آن امری بدیهی تلقی می‌شود. با بعثت پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، حکومت اسلامی مبتنی بر معرفت اسلامی ایجاد شد. علی‌رغم تأکیدات اسلام و پیامبر اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مبنی بر ادامه مسیر اسلام ناب و تبعیت از امامت، پس از ایشان انحراف‌های وسیعی در نظام سیاسی اسلام شکل گرفت و خلافت زمینی ترویج شد. حرکت مذکور استمرار داشت تا اینکه با فروپاشی امپراطوری عثمانی و پس از اینکه خلافت به عنوان شاه کلید اندیشه‌ی سیاسی در میان مسلمانان اهل سنت کنار گذاشته شد و به جای آن نظام‌های دست‌نشانده کوچک و بزرگ سیاسی در قالب معاهده سایکس پیکو طراحی شد، اهل سنت به خلافت از دست رفته با نگاه حسرت‌نگریستند؛ برخی از حاکمان مسلمان تلاش کردند حکومت پادشاهی خود را به عنوان همان خلافت اسلامی معرفی کنند و برخی، مانند اخوان المسلمین نیز کوشیدند با مشارکت در فرایند سیاسی به تحقق این آرمان نزدیک شوند. برخی نیز خلافت اسلامی ارتجاعی دانسته و کوشیدند آن را از یاد مردم ببرند، اگرچه تلاش‌های آنها نتوانست اکثریت اهل سنت را قانع سازد.

با شروع اعتراضات موسوم به بهار عربی در برخی از کشورهای اسلامی و هرج و مرج ناشی از آن، فرصتی برای هواداران خلافت اسلامی به وجود آمد تا از این آب گل‌آلود ماهی خود را صید کنند؛ در نتیجه گروه‌های مختلفی از سلفیان جهادی در کشورهای اسلامی فعال شدند و یا به فعالیت قبلی خود افزودند. وجه مشترک این گروه‌ها، به زعم خود، از بین بردن مظاهر کفر و شرک و تشکیل خلافت اسلامی بود و تنها راه رسیدن به این هدف را جنگ مسلحانه می‌دانند.

در چنین شرایطی داعش از بطن القاعده متولد شد.^۱ این گروه ابتدا با عنوان «القاعده فی بلاد الرافدین» شعبه‌ای از القاعده در عراق بود؛ اما در ادامه با گسترش فعالیت‌های خود نه تنها رسماً از القاعده جدا شد؛ بلکه رهبران القاعده را نیز تکفیر کرد. این گروه در

۱. سادات الشیخ، ابی سفیان عمرو احمد؛ و یعقوب النوفی، ابی زیاد محمد محمود، حقیقه تنظیم الدوله داعش، ص ۱۲۷.

تاریخ ۲۹/۴/۲۰۱۰م ابو بکر بغدادی «ابراهیم عواد ابراهیم بدری» را به عنوان امیر دولت اسلامی عراق انتخاب کرد و در ادامه با اعلام تأسیس دولت اسلام عراق و شام «داعش»، بغدادی از همه مسلمین جهان خواست تا با هجرت به مناطق تصرف شده توسط داعش، او را در تشکیل حکومت اسلامی یاری کنند.

داعش برای مشروعیت بخشی خلافت خود بر سرزمین اسلامی بر ادله مبتنی بر متون دینی اهل تسنن استناد می‌کند و مدعی است تنها اعضای آن و بیعت کنندگان با خلیفه آنها، مسلمان حقیقی بوده و دیگران اعم از شیعه و سنی و ... کافر و مرتدند. تفکرات داعش چند وجهی است و نمی‌توان آن را به یک فرد، جنبش یا دوره نسبت داد. آنها تمام جنبه‌های خشونت آمیز تفکرات گروه‌های قبل از خود را گرفته و در عمل پیاده کرده‌اند؛ از این رو فهم ایدئولوژی دقیق آنها برای مقابله با تفکرشان ضروری است.

آنها از یک طرف مدعی امارتی اسلامی مانند حکومت رسول خدا بر همه مسلمانانند و از طرفی مانند خوارج، علم تکفیر بلند کرده و همه را از دم تیغ می‌گذارند؛ در نتیجه اعمالشان هیچ ربطی به سیره و روش پیامبر اسلام ﷺ ندارد؛ به عبارت دیگر افراط عملی این جریان در برخوردهای قهرآمیز با سایر مسلمانان و پیروان ادیان به خودی خود آنان را در موضع نقد و پاسخ قرار داده و تا حد زیادی منفعل ساخته است؛ اما دستگاه تبلیغاتی قدرتمند و البته شناخته شده‌ای! نیز می‌کوشد سیره آنان را تجسم واقعی اسلام در شکل اولیه آن معرفی کند. در این شرایط علاوه بر برخورد عملیاتی و میدانی با این جریان خطرناک و کشف و افشای روابط پنهان ایشان با قدرت‌های بزرگ استعماری، لازم است مبادی و مبانی نظری ادعایی‌شان نیز مورد نقد و بررسی قرار گرفته و از این جهت نیز خلع سلاح شوند! بدیهی است بر ساخته و نامشروع بودن جریانی که حتی بر اساس مبانی اهل سنت نیز ناقص و متناقض تلقی می‌شود، به باور و تأیید عمومی نزدیکتر خواهد بود.

از همین رو، در تحقیق پیش رو با روش تجزیه و تحلیل داده‌های کلامی مبتنی بر مبانی اندیشه سیاسی اهل تسنن و با تأکید بر کتاب مفتی داعش «ترکی البنعلی»، نظام معرفتی-سیاسی داعش مورد نقد قرار گرفته و وجوه ممیزه آن دو تبیین شده است.



معنای لغوی و اصطلاحی خلافت

مصدر خلافت در لغت از ریشه «خلف» و به معنای جایگزین شدن به جای کسی است و خلیفه به کسی گفته می‌شود که به جای شخص قبلی آمده است و جمع آن خلائف و خلفاست.^۱

با توجه به نامیده شدن جانشینان پیامبر به عنوان خلیفه، این عنوان به مرور معادل حاکم و سلطان مسلمانان شده است. ابن منظور در لسان العرب از برخی لغت‌شناسان نقل کرده است که: خلیفه یعنی سلطان اعظم.^۲ اهل سنت به کسی که ریاست عامه بر تمام سرزمین‌های اسلامی دارد اصطلاحاً خلیفه می‌گویند. این عنوان معمولاً به جانشین پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از زمان ابوبکر تا آخرین خلیفه عثمانی اطلاق می‌شود.^۳

ماوردی در تعریف خلافت می‌گوید: «امامت و خلافت یعنی جانشینی پیامبر در پاسداری از دین و مدیریت امور دنیوی.»^۴ تفتازانی در معنای خلافت به دو مسئله اشاره کرده است: الف) جانشینی خلیفه از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در برپایی دین. ب) وجوب تبعیت از خلیفه.^۵

رشیدرضا، معنای خلافت، امامت عظمی و اماره را یکی دانسته و هر سه را به معنای حکومت کردن می‌داند. «خلافت، امامت عظمی و امارت مؤمنین، سه کلمه‌اند که هر سه به معنای ریاست و حکومت اسلامی در جهت تأمین مصالح دین و دنیاست.»^۶

ادعای داعش درباره خلافت

داعش نظام سیاسی خود را نظام خلافت می‌داند و مدعی است: خلیفه یعنی جانشینی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در رهبری امت اسلامی.^۷

داعشیان رسیدن به خلافت اسلامی را آرزوی دیرینه اعضای خود و تمام مسلمانان

۱. صاحب بن عباد، المحيط فی اللغة، ص ۴۴۶.
۲. ابن منظور، جمال الدین ابوالفضل، لسان العرب، ص ۴۹۸-۴۹۷.
۳. سمضار، صالح، نظام الخلافه فی الفكر الاسلامی المعاصر، ص ۲۶.
۴. ماوردی، ابوالحسن، الاحکام السلطانیه و الولايات الدینیة، ص ۳.
۵. «وخلافتهم ثابتة، ای نیابتهم عن رسول الله فی اقامه الدین، بحيث یجب علی كافة الامم الاتباع» التفتازانی، ۲۰۰۷: ۱۷۵.
۶. رشید رضا، محمد، الخلافه، ص ۱۷.
۷. ابی البراء، بن مالک، المختصر فی تعریف دستور الدوله الاسلامیه و اهداف، ص ۷.

می‌دانند؛ البته خلافتی که یک رهبر بیشتر نداشته باشد و تمام مسلمانان تحت امر او باشند. آنها برای تحقق این امر پیش قدم شده و بر خلاف سایر گروه‌های جهادی بعد از به دست آوردن کمترین قدرت، تردیدی در اعلام خلافت اسلامی به خود راه ندادند. آنان با ابوبکر بغدادی به عنوان خلیفه مسلمانان بیعت کردند و اطاعت از او را بر همه واجب دانستند و مخالفان خود را بی‌خبر از روش اهل سنت، کافر خواندند.^۱

داعش با تقسیم مردم جهان به دویخش کافر و مسلمان؛ کسانی را که با ابوبکر بغدادی دشمنی کرده و او را به عنوان خلیفه نپذیرفتند کافر تلقی کردند و کسانی را مسلمان قلمداد کردند که برای محافظت از دینشان قیام کرده و رهبری واحد یعنی خلافت ابوبکر بغدادی را گردن نهند.^۲

آنها با تقسیم خلفای اسلامی به دو گروه، مدعی‌اند که فقط برخی از مدعیان خلافت واقعا خلیفه مشروع بوده‌اند. داعش خلافت خود را «خلافت علی منهای النبوه / خلافت بر اساس روش پیامبر» می‌داند.^۳

ترکی بنعلی که مدتی مسئول هیئت شرعی داعش بوده و یکی از صاحب نظران این گروه محسوب می‌شد در کتابی با نام «القیافه فی عدم اشتراط التمکین الکامل للخلاف» برخی از ویژگی‌های خلافت را بیان کرده و در مقدمه کتاب، روایتی را از پیامبر اکرم ﷺ نقل می‌کند: «نبوت تا زمانی که خدا بخواهد در میان شما باقی می‌ماند و هر وقت که بخواهد آن را برمی‌دارد آنگاه خلافت بر شیوه نبوت خواهد بود تا زمانی که خدا بخواهد، سپس آن را هر وقت بخواهد برمی‌دارد و حاکمان سخت‌گیری به قدرت می‌رسند و تا زمانی که خدا بخواهد خواهند ماند ... پس از آن خلافت بر روش نبوت خواهد بود و سپس سکوت کردند.^۴ این روایت از روایات معتبر نزد اهل سنت محسوب می‌شود.^۵

۱. شبیه الحمد، ابوالک، وجوب البیعه لخلیفه المسلمین ابوبکر الحسینی القریشی البغدادی، ص ۷.

۲. همان، ص ۸.

۳. همان، ص ۱۱.

۴. تَكُونُ النَّبُوَّةُ فِيكُمْ مَا شَاءَ اللَّهُ أَنْ تَكُونَ، ثُمَّ يَرْفَعُهَا إِذَا شَاءَ أَنْ يَرْفَعَهَا، ثُمَّ تَكُونُ خِلَافَةٌ عَلَيَّ مِنْهَا النَّبُوَّةُ، فَتَكُونُ مَا شَاءَ اللَّهُ أَنْ تَكُونَ، ثُمَّ يَرْفَعُهَا إِذَا شَاءَ اللَّهُ أَنْ يَرْفَعَهَا، ثُمَّ تَكُونُ مُلْكًا عَاصِنًا، فَيَكُونُ مَا شَاءَ اللَّهُ أَنْ يَكُونَ، ثُمَّ يَرْفَعُهَا إِذَا شَاءَ أَنْ يَرْفَعَهَا، ثُمَّ تَكُونُ مُلْكًا جَبْرِيَّةً، فَتَكُونُ مَا شَاءَ اللَّهُ أَنْ تَكُونَ، ثُمَّ يَرْفَعُهَا إِذَا شَاءَ أَنْ يَرْفَعَهَا، ثُمَّ تَكُونُ خِلَافَةٌ عَلَيَّ مِنْهَا نَبُوَّةٌ ثُمَّ سَكَتَ.

۵. ابن حنبل، احمد، مسند احمد، ج ۳۰، ص ۳۵۵، ش ۱۸۴۰۶.



وی جمله پایانی حدیث، یعنی «ثم تكون خلافة علي منهاج النبوه» را در کتاب پررنگ کرده است و با قرآینی که از ادامه کتاب به دست می‌دهد روشن می‌شود مرادش این است که خلافت داعش همان خلافت موعود پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است. او در ادامه حدیث خلفای دوازده‌گانه را از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نقل و اقوال مختلف در این باره را بیان می‌کند. بنعلی با استناد به حدیثی از پیامبر اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ که فرموده‌اند: برخی از آنها (خلفای دوازده‌گانه) در صدر اسلام بودند و برخی دیگر در انتهای آن خواهند آمد، مصداق این دوازده نفر را خلیفه اول تا معاویه همچنین عمر بن عبدالعزیز دانسته و آخرین آنها را امام مهدی عَلَيْهِ السَّلَام می‌داند؛ او در مورد چهار نفر باقیمانده دو شرط ذکر می‌کند:

الف: از ذریه علی عَلَيْهِ السَّلَام هستند. این کلام را با استناد به حدیث پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نقل می‌کند که به علی عَلَيْهِ السَّلَام فرموده‌اند: انک لذو قرنیها؛ یعنی یا علی تو هم جزء خلفای صدر اسلام هستی و هم جزء خلفای آخرین هستی؛ یعنی آخرین خلفا از نسل تو هستند.^۱
ب: این افراد مقدمات ظهور حضرت مهدی (عجل الله فرجه) را فراهم می‌آورند.^۲
وی با ذکر این مقدمات این نتیجه را می‌گیرد:

اولاً: خلافت ابوبکر بغدادی مشروع بوده و پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نیز به آمدن او وعده داده است. ثانیاً: خلافت او مقدمات ظهور امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام را فراهم خواهد کرد. ثالثاً: ابوبکر بغدادی از نسل امام علی عَلَيْهِ السَّلَام و هاشمی است.

نقد دیدگاه داعش در باب شرایط خلیفه

شرایط خلیفه از منظر اهل سنت

دانشمندان اهل سنت در بیان شرایط خلیفه مسلمانان، سخن یکسانی ندارند. این مسئله تا حد زیادی ناشی از این است که نظریات مختلف به عنوان توجیه‌کننده و مشروعیت‌بخش آنچه عملاً اتفاق افتاده و با توجه به شرایط گوناگون خلفا و چگونگی انتخاب آنها صورت‌بندی شده است. صرف نظر از این واقعیت، می‌توان مواردی را به

۱. البنعلی، ترکی بن مبارک، القیافه فی عدم اشتراط التمكن الكامل للخلافة، ص ۴.

۲. البته وی با نقل قولی از احمد بن حنبل می‌گوید: «مهدی که من می‌گویم با مهدی که روافض می‌گویند و در سرداب منتظر ظهور است، فرق دارد.»

عنوان شرایطی که مورد قبول عموم اهل سنت است برشمرده، از جمله: اسلام، آزاد بودن، مخفی نبودن خلیفه و ظاهر بودن در میان مردم، عالم بودن، قریشی بودن، قدرت داشتن بر اداره کشور و حفظ مرزهای آن. برخی مانند قاضی ابی یعلیٰ حنبلی چهار شرط ذکر می‌کند.^۱ برخی مانند احمد بن حنبل که می‌توان او را بنیانگذار سلفیه نامید، ده شرط برای امام برشمرده است.

برخی از بزرگان اهل سنت برای توجیه اعمال خلفای جور، مقام قضاوت را بالاتر از امامت دانسته و گفته‌اند فرق میان قضاوت و حکومت این است که امام و یا امیر اگر فاسق شد از امامت و امارت ساقط نمی‌شود؛ زیرا مبنای حکومت تسلط و غلبه داشتن است؛ پس اگر کسی قدرت بر ادامه حکومت دارد؛ اما فاسق است هنوز امام و خلیفه محسوب می‌شود؛ البابتی در توجیه این گفتار خود می‌گوید: «در طول تاریخ اسلام حاکمانی بودند که با زور حاکم شدند و ظلم و جور کردند؛ اما باز صحابه از آنها پیروی کرده و پشت سرشان نماز خوانده‌اند.»^۲

اهل سنت مسئله امامت را بسیار پایین‌تر از شئون دیگر دانسته‌اند؛ در حالی که وظایف او از همه سنگین‌تر است. ابی محمد مقدسی در کتاب لمعه الاعتقاد می‌گوید: «حج و جهاد با اطاعت از هر امامی فاسق باشد یا عادل، انجام می‌شود و می‌توان پشت سر امام فاجر نماز خواند.»^۳

تفتازانی وقتی شرایط خلیفه را بیان می‌کند وجود برخی شرایط را لازم نمی‌داند:

الف: افضل بودن از دیگران؛

ب: معصوم بودن از گناه.

او بعد از بیان این نکته می‌گوید: «امام با گناه کردن نسبت به خدا و ظلم نسبت به بندگان خداوند از خلافت عزل نمی‌شود و دلیل او نیز عدم عزل خلفای فاسق و فاجر در طول تاریخ اسلام است.»^۴

۱. الفراء الحنبلی، ابی یعلیٰ محمد بن حسین، الاحکام السلطانیة، ص ۱۹.

۲. البابتی، محمد بن محمد بن محمود، العنایة شرح الهدایة، ج ۷، ص ۲۵۶.

۳. بن عثمان المصری، ابو عبدالاعلیٰ خالد بن محمد، الکواشف الجلیة للفرق بین السلفیة و الدعوات الحزبیة البدعیة، ص ۸۵.

۴. التفتازانی، سعدالدین مسعود، شرح العقائد النسفیة، ج ۱۸۳.

عدم تحقق شرایط خلیفه درباره ابوبکر البغدادی

الف: قریشی بودن

اگر چه اهل سنت هاشمی بودن را از شرایط خلیفه مسلمانان ندانسته و قریشی بودن کافی می‌دانند؛^۱ اما قطعاً هاشمی بودن جزء فضایل محسوب می‌شود؛ بنابراین، داعش با ذکر فضایل اهل بیت علیهم‌السلام مدعی است ابوبکر بغدادی برای خلیفه شدن این فضیلت را نیز داراست. آنان ابوبکر بغدادی را هاشمی می‌دانند که نسبش از طریق امام هادی علیه‌السلام به امام علی علیه‌السلام می‌رسد.^۲ ابی همام الاثری که یکی از صاحب نظران گروه داعش محسوب می‌شود در کتاب خود، با ذکر احادیثی در فضیلت اهل بیت وانمود می‌کند که چون ابوبکر بغدادی از اهل بیت است، پس محبت او طبق کلام رسول خدا واجب بوده و شایسته‌ترین شخص برای خلافت مسلمین است؛^۳ اما درباره قریشی بودن بغدادی تردید جدی وجود دارد، داعش ادعا می‌کند که ابوبکر بغدادی از عشیره بوبدری است که به واسطه اهل بیت علیهم‌السلام هم هاشمی‌اند و هم قریشی محسوب می‌شوند؛ اما برخی از صاحب نظران قائلند که چنین نسبتی درست نبوده و ابوبکر بغدادی از نسل ائمه اطهار نیست. دکتر صالح حسین از صاحب نظران فرق معاصر معتقد است که شجره نامه منتشر شده داعش برای ابوبکر بغدادی، برای شخص دیگری به نام شیخ صبحی السامرایی از بزرگان اهل سنت عراق است که توسط داعش به دروغ به ابوبکر بغدادی نسبت داده شده است.^۴

ب: عالم بودن

یکی از شروط لازم برای خلیفه مسلمین علم به شریعت اسلامی و مصادر احکام اسلامی است، برخی مانند جوینی برای لزوم این شرط ادعای اجماع نیز کرده است؛^۵ اما آنچه که از زندگی نامه ابوبکر بغدادی منتشر شده است نشانگر این است که وی دانش دینی مورد نظر برای خلافت اسلامی را ندارد، شیخ ابو عبدالله محمد منصور از

۱. غزالی، ابوحامد محمد بن محمد، الاقتصاد فی الاعتقاد، ص ۲۹۴.

۲. ابی البراء، بن مالک، المختصر فی تعریف دستور الدوله الاسلامیه و اهداف، ص ۵.

۳. الاثری، ابی همام بکر بن عبدالعزیز، مد الایادی لیبیعه البغدادی، ص ۳-۴.

۴. الرقب، صالح حسین، من هو ابوبکر البغدادی خلیفه تنظیم الدوله.

۵. الفقیه، عبدالغنی سلطان عبدالوهاب، الامامه بین الماوردی و الجوینی، ص ۱۲۸.

اساتید ابوبکر غدادی و رهبر یکی از گروه‌های سلفی جهادی عراق، در کتاب خود درباره بغدادی می‌گوید: «من شهادت می‌دهم که او شخصی کم حافظه، بد اخلاق، جاهل و اهل هوا و هوس بود.»^۱ و از طرفی ابوبکر بغدادی سابقه افتاد داشته و در حوزه علمیه اهل سنت عراق تحصیل نکرده و فقط فارغ التحصیل دکترای علوم اسلامی از دانشگاه بغداد است. همچنین هیچ کتاب علمی از وی به چاپ نرسیده است.

ج: آشکار بودن

شرط بعدی که تفتازانی و برخی دیگر از علمای اهل سنت به آن اشاره کرده‌اند؛ آشکار بودن خلیفه و قابل دسترس بودن برای مردم است^۲ خلیفه خودخوانده داعش به جز یک بار که علناً در مسجد موصل در ملاً عام ظاهر شد و اعلام خلافت کرد دیگر در مجامع عمومی دیده نشده است؛ بنابراین، این شرط خلافت را نیز دارا نیست.

دیدگاه داعش درباره روش انعقاد خلافت

در میان اهل سنت روش‌های مختلفی برای مشروعیت انعقاد خلافت خلفا بیان شده است که می‌توان گفت آنها نیز مانند شرایط خود خلیفه برداشت‌هایی پسین و برگرفته از وقایع خارجی است که برای موجه جلوه دادنشان دلایلی نیز ذکر شده است.

مهم این است که در نگاه اهل سنت، خداوند متعال در انتخاب خلیفه نقشی ندارد و خلیفه مسلمین، مشروعیت خود را از طریق بیعت مردم یا ... کسب می‌کند. با این حال برخی از علما مخصوصاً بعد از قرن پنجم، حکومت سلاطین و خلفای زمان را صبغه الهی داده و آنها را نماینده خداوند در روی زمین معرفی کرده‌اند.^۳ در نظر اهل سنت بر مردم واجب است که امام و خلیفه خود را نصب کنند و از نظر عقلی و نقلی این امر بر خداوند واجب نیست. تفتازانی در تبیین این وجوب دو دلیل ذکر می‌کند:

الف) روایت مشهور «اگر کسی بمیرد و امام زمان خود را نشناسد به مرگ جاهلی از دنیا رفته است»؛ البته وی چگونگی استدلال را توضیح نمی‌دهد؛ اما ظاهراً مرادش این است که در این روایت شناخت امام بر مردم واجب شده است و مردم وقتی می‌توانند

۱. ابو عبدالله محمد المنصور، الدولة الإسلامية بين الحقيقة والوهم، ص ۶.

۲. التفتازانی، سعدالدین مسعود، شرح العقائد النسفیة، ج ۱۸۰.

۳. عبدالرزاق، علی، الاسلام و اصول الحكم، ص ۱۸.



شخصی را بشناسند که خودشان او را انتخاب کرده باشند.

ب) عمل مسلمانان بعد از رحلت پیامبر ﷺ و مرگ خلفا. تفتازانی گمان کرده است که مردم به علت وجوب این امر حتی دفن پیامبر ﷺ و خلفا را به علت انتخاب خلیفه به تأخیر می‌انداختند.

بنعلی مفتی داعش با استناد به سخنان قرطبی در تفسیر آیه شریفه «انی جاعل فی الارض خلیفه» می‌گوید: «این آیه دلالت می‌کند بر نصب امام و خلیفه‌ای که حرفش را بشنوند و از او اطاعت کنند.»^۱ او در ادامه مشخص می‌کند که مراد از نصب خلیفه، نصب او از طریق مردم و به واسطه اهل حل و عقد است. صرف نظر از اینکه آیه مورد استناد بنعلی ربطی به نصب خلیفه رسول خدا ندارد، عجیب است چگونه او به ضمیر موجود در کلمه «انی» اصلاً توجهی نکرده است؛ در حالی که این آیه به صراحت مسئله نصب خلیفه را کار خدا دانسته نه مردم. از میان روش‌های متعددی که اهل سنت برای مشروعیت انعقاد خلافت بر شمرده‌اند، بیعت اهل حل و عقد و روش قهر و غلبه در مورد ابوبکر بغدادی مطرح شده است که در ادامه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱) بیعت اهل حل و عقد

داعش پس از تکفیر تمام حاکمان کنونی کشورهای اسلامی، نصب خلیفه‌ای که خلافت تمام مسلمانان را به عهده داشته باشد واجب دانسته‌اند، در نتیجه ابوبکر بغدادی را به این منصب نصب کرده‌اند.^۲ اگر چه خلافت بغدادی با روش قهر و غلبه نیز قابل بررسی است؛ اما داعش تأکید دارد که انتخاب او توسط بیعت اهل حل و عقد انجام شده است. به نظر داعش تنها روش انعقاد خلافت صحیح بیعت اهل حل و عقد است که در این صورت منتخب آنها باید تمام شرایط خلافت را داشته باشد، آنها مدعی‌اند که این شرط در ابوبکر بغدادی محقق است؛ زیرا علما و بزرگان و شیوخ عشایر عراق و شام با او بیعت کرده‌اند.^۳

یکی از اشکالات مطرح شده درباره خلافت ابوبکر بغدادی این است که، داعش

۱. البنعلی، ترکی بن مبارک، القیافه فی عدم اشتراط التمکین الکامل للخلافه، ص ۷.

۲. الحطام، ابی جعفر، بیعه الامصار للامام المختار، ص ۱۰.

۳. همان، ص ۱۳.

بیعت عده‌ای از اطرافیان بغدادی را به عنوان بیعت اهل حل و عقد به حساب آورده است در حالی که اولاً: باید تمام اهل حل و عقد با خلیفه بیعت کنند. ثانیاً: اهل حل و عقد شرایط خاصی مانند علم و آگاهی داشته باشند تا بتوانند افراد خبره و توانمند را انتخاب کنند.^۱ داعش در جواب این اشکال به کلامی از ابن تیمیه پناه برده است که می‌گوید:

«شکی نیست که مخالفت یک یا دو نفر و یا گروهی اندک در اجماع معتبر در بحث انتخاب خلیفه ضرر نمی‌زند؛ زیرا اگر اجماع همه معتبر بود هیچ گاه اجماعی بر امامت شخصی منعقد نمی‌شد.»^۲

آنها با استناد به این کلام قائلند که در بیعت ابوبکر بغدادی عده معتنابهی از بزرگان عشایر و اهل حل و عقد حضور داشته‌اند. با نگاهی به زندگی و ویژگی‌های اطرافیان ابوبکر بغدادی و شورای حل و عقد در دولت او به راحتی می‌توان گفت که این دو اشکال به داعش وارد بوده و توجیهاات آنها کافی نیست.

آیا انتخاب اهل حل و عقد به تنهایی کافی است یا باید مردم نیز با او بیعت کنند؟ در میان قائلین به صحت انتخاب خلیفه توسط اهل حل و عقد نیز اختلافاتی وجود دارد. برخی می‌گویند: شرط صحت خلیفه منتخب اهل حل و عقد این است که مردم اجماع تام بر امامت او داشته باشند.^۳ این گروه به کلام اسحاق بن عمار استناد کرده‌اند که وی در جواب کسی که پرسید مراد از امام در روایت پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ «من مات ولیس له امام مات میتة جاهلیه» کیست، پاسخ داد: امام کسی است که تمام مسلمانان بر امامت او اجماع دارند.^۴ برخی دیگر معتقدند که اجماع امت لازم نیست؛ اما باید همه اهل حل و عقد بر امامت شخص اتفاق نظر داشته باشند. این گروه در واقع برای اینکه مخالفت برخی از صحابه با امامت امام علی عَلِيٌّ را توجیه کنند و آنها را از گناه مخالفت با امام و خلیفه زمان که اهل سنت نیز آن را قبول دارند مبرا کنند به امامت امیرالمؤمنین علی اشکال کرده‌اند که امامت ایشان به دلیل عدم اجماع بزرگان صحابه مانند معاویه، عمرو

۱. الدمیجی، عبدالله بن عمر، الامامه العظمی عند اهل السنه و الجماعه، ص ۱۶۵-۱۶۷.

۲. الحطام، ابی جعفر، بیعه الامصار للامام المختار، ص ۱۴.

۳. الدمیجی، عبدالله بن عمر، الامامه العظمی عند اهل السنه و الجماعه، ص ۱۷۳.

۴. ابن تیمیه الحرانی، تقی الدین ابی العباس احمد بن عبدالحلیم، منهاج السنه النبویه فی نقض کلام الشیعه القدریه، ج ۱، ص ۱۱۲.



بن عاص، زبیر، عایشه و ... مخدوش است.^۱

محمد مبارک از صاحب نظران سلفی قائل است با توجه به نظریات ابن تیمیه، انتخاب خلیفه با روش بیعت دو مرحله دارد: الف) بیعت اهل حل و عقد که در این مرحله شخص کاندیدای خلافت می‌شود.

ب) بیعت همه مسلمین که در این مرحله به خلافت می‌رسد.^۲

وی به نقل از ابوحامد غزالی می‌گوید: «هدف اصلی از انتخاب امام که همان متحد کردن مسلمین و اقتدار آنهاست، وقتی حاصل می‌شود که اکثریت مردم با او بیعت کنند.»^۳ برخی از صاحب نظران در این مسئله قائل به تفصیل شده و گفته‌اند: اگر تمام امت با کسی بیعت کنند به او خلیفه گفته می‌شود؛ اما اگر فقط بخشی از امت اسلام با کسی بیعت کرده باشد به او نمی‌توان خلیفه مسلمین گفت؛ بلکه او امیر و حاکم همان قسمت است.^۴

بنابراین، طبق این دیدگاه امثال ابوبکر بغدادی که عده‌ای محدود با او بیعت کرده‌اند فقط امیر و حاکم همان بخش شمرده می‌شود؛ اما نمی‌تواند ادعای خلافت بر تمام امت اسلام را داشته باشد؛ در حالی که به گفته تحلیل‌گران، استراتژی داعش این است که حتی وقتی یک روستای کوچک را نیز تصرف می‌کند سریعاً در آنجا ارکان یک حکومت را برپا می‌کند.^۵ در میان اهل سنت درباره تعداد و ویژگی‌های بیعت کنندگان نیز نظریات مختلفی وجود دارد؛ برخی قائلند که باید همه مسلمین بیعت کنند و برخی دیگر مانند مودودی و رشیدرضا بیعت اغلب مردم را کافی دانسته،^۶ و بعضی مانند جوینی فقط بیعت کسانی که بیعت آنها باعث به وجود آمدن شوکت و اقتدار خلیفه می‌شود را کافی دانسته است.^۷

داعش نیز بیعت عموم مردم را قبول دارد و آن را از شرایط انعقاد خلافت می‌داند؛ اما

۱. ابن خلدون الحضرمی، عبدالرحمن بن محمد، مقدمه ابن خلدون، ص ۱۷۴.

۲. المبارک، محمد، آراء ابن تیمیه فی الدوله و مدی تدخلها فی المجال الاقتصادی، ص ۲۷۹.

۳. همان، ص ۱۷۸.

۴. السقاف، علوی بن عبدالقادر، إعلان الخلافة الإسلامية - رؤیة شرعیة واقعیة.

۵. قاسم، یاسر جاسم، عالم داعش خفایا و اسرار، ص ۱۹.

۶. المودودی، ابوالاعلی، نظریه الاسلام و هدیه لی السیاسه والقانون والدستور، ص ۵۵.

۷. الفقیه، عبدالغنی سلطان عبدالوهاب، الامامه بین الماوردی و الجوینی، ص ۱۰۰.

به علت فرار از اشکالات احتمالی مانند عدم بیعت همه مسلمین و حتی بیشتر آنها با خلیفه خود خوانده، نظریه سوم را قبول کرده و می‌گوید: مراد از بیعت مردم، بیعت همه آنها نیست؛ بلکه مراد بیعت بزرگان آنها مانند تجار، بزرگان قبایل، طلاب علم، مجاهدین و مانند آنهاست؛^۱ البته باز اشکال به داعش مطرح است؛ زیرا داعش ادعای خلافت عظمی بر تمام مسلمین را دارد؛ بنابراین، حداقل لازم است بزرگان تمام کشورهای اسلامی با آنها بیعت کنند و بیعت عده‌ای خاص در مناطق تحت سیطره داعش آن هم از ترس جان و مالشان کافی نیست، چنان‌که ابن تیمیه نیز می‌گوید: «اگر کسی ادعای امامت عظمی بکند باید اکثر اهل حل و عقد تمام نواحی با او بیعت کنند.»^۲

عالم مغربی شیخ محمد فیزازی با اشکال به داعش در عدم بیعت مردم با خلیفه خود خوانده می‌پرسد: چه کسی بغدادی را بر بیش از یک میلیارد مسلمان خلیفه قرار داده است. وی با استناد به کلام عمر بن خطاب که گفت: کسی که با شخصی بدون مشورت با مسلمانان بیعت کند لزومی ندارد اطاعت شود، تصریح می‌کند که منظور عمر این بوده که خلافت باید با اجماع دول اسلامی و علمای اسلام باشد.^۳

طرفداران داعش در جواب چنین اشکالی می‌گویند: هیچ کسی در خلافت ابوبکر شک نداشته و مسلمانان اجماع بر صحت خلافت وی دارند؛ اما خلافت او فقط با بیعت عده‌ای از مسلمانان در سقیفه بنی ساعده محقق شد و خلیفه مسلمین شد و کسانی که به طور مستقیم در سقیفه با او بیعت نکرده بودند نیز ملزم به اطاعت از او شدند و اطاعت از دستورات او برای همه مسلمین واجب و تخلف از دستوراتش گناهی نابخشودنی محسوب می‌شد؛ اما واقعیت این است که عمر بن خطاب امت را از بیعتی مانند بیعت ابوبکر که آن را فلتة و کاری حساب نشده می‌خواند بر حذر داشت.

۱. الحطام، ابی جعفر، بیعه الامصار للامام المختار، ص ۱۴.

۲. ابن تیمیه الحرانی، تقی الدین ابی العباس احمد بن عبدالحلیم، منهاج السنه النبویه فی نقض کلام الشیعه القدریه، ج ۱، ص ۵۳۰.

۳. اسعدی، محمد، خلافة بغدادی اخطاء فقهیه قاتله.



۲) روش قهر و غلبه

اهل سنت یکی از روش‌های انتخاب خلیفه را روش قهر و غلبه می‌دانند، اگر کسی توانست با زور منطقه‌ای را تصرف کرده و خودش را خلیفه مسلمین نامد بر مسلمانان واجب است از او اطاعت کنند.^۱

به نظر داعش اگر کسی با زور و غلبه ادعای خلافت کرد خلیفه مسلمانان می‌شود؛ اما در این صورت لازم نیست شرایط خلیفه را داشته باشد آنها در بیان علت آن می‌گویند: علت انتصاب این شخص به خلافت قرار گرفتن در موقعیت بد و بدتر است؛ زیرا قبول نکردن خلافت این شخص باعث ضررهای بیشتر به مسلمانان خواهد شد.^۲

داعش برای اینکه به دیگران ثابت کند خلیفه آنها با بهترین و مقبول‌ترین روش به خلافت رسیده است، خلافت بغدادی را از طریق انتخاب اهل حل و عقد می‌داند؛ اما به نظر می‌رسد مشروعیت خلافت بغدادی طبق روش قهر و غلبه نیز قابل نقد است و اتفاقاً در اولین نگاه به ماجرای خلافت ابوبکر بغدادی این روش بیشتر خود را نمایان می‌سازد؛ زیرا بر همه عیان است که داعش با قتل بیگناهان زیادی توانست مناطقی را در عراق و سوریه تصرف و بعد از آن بدون اینکه بزرگان اسلام با او بیعت کنند اعلام خلافت عظمی کند. اگر چه این طریق مورد قبول اهل سنت است؛ اما شرایطی دارد و شرط اصلی آن اقتدار و تمکین به معنای قدرت داشتن برای ایجاد حکومت است که از این نظر، خلافت داعش با چالش جدی مواجه است.

علمای اهل سنت شرط لازم برای خلافت را مسئله اقتدار و تمکین می‌دانند. ابوحامد غزالی از بزرگان اهل سنت، هدف نهایی از انتخاب امام و خلیفه را متحد کردن مسلمین و رفع اختلافات میان آنها می‌داند که به نظر او این هدف حاصل نمی‌شود مگر با وجود حاکمی که دارای اقتدار و شوکت است؛ بنابراین، به اعتقاد او اگر بعد از وفات امام مسلمین، کسی قیام کرده و ادعای امامت کند به علت توانایی و اقتدارش امامت او منعقد شده و اطاعت از او واجب می‌شود.^۳

۱. العسقلانی، احمد بن علی بن حجر، فتح الباری شرح صحیح البخاری، ج ۱۳، ص ۹.

۲. الحطام، ابی جعفر، بیعه الامصار للامام المختار، ص ۱۳.

۳. غزالی، ابوحامد محمد بن محمد، الاقتصاد فی الاعتقاد، ص ۲۹۵-۲۹۳.

با توجه به مجموع سخنان بزرگراه اهل سنت در بحث امامت می‌توان گفت شرط اصلی مد نظر آنها اقتدار و تسلط است که گاه توسط قهر و غلبه حاصل می‌شود و گاه توسط بیعت بزرگان قوم که باعث می‌شود خلیفه قدرت اداره کشور را داشته باشد. داعش نیز وجود این شرط برای خلیفه را لازم می‌داند، بنعلی مفتی داعش می‌گوید: شکی نیست که خلافت نیاز به قدرت و تمکین دارد و این شرط در دولت اسلامی حاصل است؛ اما به نظر گروه‌های جهادی دیگر اگر چه هدف اصلی تشکیل خلافت اسلامی است؛ اما شرط آن داشتن اقتدار و قدرت لازم برای این کار است که هنوز حاصل نشده؛ بنابراین، اعلام خلافت از سوی داعش زود بوده است.

مسئله حدیث اثنا عشر

مشکل دیگری که عموم نظریه پردازان اهل سنت و از جمله حامیان خلافت ابوبکر بغدادی با آن مواجه‌اند تناقض روایت «الخلافة بعدی ثلاثون سنة» با روایت دیگری از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است که فرموده‌اند: «همواره این دین عزیز است تا دوازده خلیفه بیاید که همه آنها از قریش هستند»^۱.

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در اینجا نیز از کلمه خلیفه استفاده کرده‌اند؛ اما تنها برای دوازده نفر، درحالی که طبق روایت اول، خلافت را منحصر در سی سال کرده‌اند. طبق این فرمایش نمی‌توان ابوبکر البغدادی را خلیفه مسلمین نامید؛ بلکه تمام کسانی که بعد از خلفای راشدین ادعای خلافت کرده‌اند ادعای باطلی کرده‌اند برای رفع این اشکال جواب‌هایی داده‌اند مثل اینکه در بخاری به جای خلیفه، عنوان اثنا عشر امیر آمده است؛^۲ بنابراین، شاید در آنجا که خلیفه آمده است، راویان در حدیث دخل و تصرف کرده‌اند.^۳

جواب دومی که داده شده از طرف طرفداران داعش است، آنها می‌گویند: مراد از خلیفه در روایت اول، خلافه علی منهاج النبوه است نه هر نوع خلافتی، به نظر آنها بیشتر حاکمان بعد از دوره خلفای راشدین، خلافتشان کاملاً طبق روش و سنت پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نبوده است و تسامحاً به آنها خلیفه گفته شده است؛ چنانکه ابن تیمیّه

۱. القشیری النیسابوری، ابی الحسین مسلم بن الحجاج بن مسلم، صحیح مسلم، ج ۳، ص ۱۴۵۲.

۲. العسقلانی، احمد بن علی بن حجر، فتح الباری شرح صحیح البخاری، ج ۶، ص ۲۶۴۰، ش ۶۷۹۶.

۳. سادات الشیخ، ابی سفیان عمرو احمد؛ و یعقوب النوفی، ابی زیاد محمد محمود، حقیقه تنظیم الدوله داعش، ص ۱۳۵.



می‌گوید: «می‌توان به حاکمان بعد از خلفای راشدین خلیفه گفت؛ اگر چه آنها ملوک بوده و خلیفه پیامبران نیستند»؛^۱ اما ابوبکر بغدادی طبق راه و روش پیامبر ﷺ خلافت می‌کند؛ پس خلیفه واقعی مسلمین محسوب می‌شود؛^۲ اما واقعیت این است که آشکار شدن روابط سیاسی این جماعت با دشمنان اسلام و قدرت‌های بزرگ همچنین روش‌های مبالغه آمیزشان در قتل عام و شکنجه بیگناهان و ویرانی آبادانی‌ها و ... هر گونه ادعایی مبنی بر ادامه دادن سنت رسول خدا از سوی آنان را به ادعایی گزافه و غیرقابل قبول تبدیل کرده است.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

اساس حکومت داعش و اسلامی بودن آن بر نظریه خلافت استوار است. از این رهگذر ایشان خلافت البغدادی را در امتداد خلافت اسلامی از صدر اسلام تاکنون قرار داده‌اند. داعش با فضیلت‌سازی برای خلیفه خودخوانده‌اش، سعی کرده ابوبکر بغدادی را واجد همه معیارهای خلافت معرفی کند. ویژگی‌هایی همچون انتساب به بنی‌هاشم یا قریش، علم به شریعت و مصادر احکام اسلامی، در دسترس بودن و ... که همه این ویژگی‌های حداقلی نیز برای وی مخدوش است.

در این مقاله نشان دادیم که خلافت داعش و خلیفه خود خوانده ایشان، فاقد تمامی شرایط و صلاحیت‌های پیش گفته بوده و تلاش نظریه‌پردازان این جریان برای توجیه مشروعیت این خلافت بر اساس کتاب و سنت ناکام بوده است؛ بنابراین، اولاً فضیلت‌سازی داعش برای خلیفه خود خوانده‌اش با مبانی موجود در منابع اهل تسنن سازگار نیست و ثانیاً مشروعیت‌سازی خلافت ابوبکر بغدادی با ابتنا بر معیارهای مشروعیت‌ساز در اندیشه سیاسی اهل تسنن تعارض دارد و حتی از حداقل‌های ذکر شده در معیارها محروم است؛ بنابراین، از نقدهای معرفتی به جریان انحرافی داعش، عدم انطباق نظام سیاسی داعش با اندیشه سیاسی اهل تسنن حاصل می‌شود.

۱. ابن تیمیه حرانی، تقی الدین ابی العباس احمد بن عبد الحلیم، مجموع الفتاوی، ج ۳۵، ص ۲۰.

۲. سادات الشیخ، ابی سفیان عمرو احمد؛ و یعقوب النوفی، ابی زیاد محمد محمود، حقیقه تنظیم الدوله داعش، ص ۱۳۵.

منابع

١. ابن تيميه الحراني، تقى الدين ابى العباس احمد بن عبدالحليم، منهاج السنه النبويه فى نقص كلام الشيعة القدرية، رياض: دار الفضيله، چاپ اول، ١٤٢٤.
٢. ابن تيميه حراني، تقى الدين ابى العباس احمد بن عبد الحلیم، مجموع الفتاوى، بيروت: دار الكتب العلمية، چاپ اول، ٢٠٠٠.
٣. ابن حنبل، احمد، مسند احمد، بيروت: دار الرساله العالميه، چاپ اول، ٢٠٠١.
٤. ابن خلدون الحضرمى، عبدالرحمن بن محمد، مقدمه ابن خلدون، بيروت: دار احياء التراث العربى، چاپ اول.
٥. ابن منظور، جمال الدين ابوالفضل، لسان العرب، بيروت: دار الكتب العلمية، چاپ اول، ٢٠٠٥.
٦. ابو عبدالله محمد المنصور، الدولة الإسلامية بين الحقيقة والوهم، بی جا: بی نا، بی تا.
٧. ابى البراء، بن مالک، المختصر فى تعريف دستور الدوله الاسلاميه و اهداف، الوفاء، ٢٠٠٧.
٨. اسعدى، محمد، خلافه بغدادى اخطاء فقيهه قاتله، ٢٠١٤. بازياى از الحره
٩. الاثرى، ابى همام بكر بن عبدالعزيز، مد الايادى لبيعه البغدادى، بی جا: نامعلوم، بی تا.
١٠. البابرئى، محمد بن محمد بن محمود، العناية شرح الهدايه، بيروت: دار الفكر، بی تا.
١١. البنعلی، ترکی بن مبارک، القيافه فى عدم اشراط التمكين الكامل للخلافه، بی جا: الغرباء للاعلام، چاپ دوم، ٢٠١٤.
١٢. التفتازانى، سعدالدين مسعود، شرح العقائد النسفيه، بی جا: مكتبه دار الدقاق، چاپ اول، ٢٠٠٧.
١٣. الحطام، ابى جعفر، بيعه الامصار للامام المختار، بی جا: مؤسسه البيارق الاعلاميه، چاپ بی تا، بی تا.
١٤. الديميجى، عبدالله بن عمر، الامامه العظمى عند اهل السنه و الجماعه، رياض: دار الطيبه، بی تا.
١٥. الرقب، صالح حسين، من هو ابوبكر البغدادى خليفه تنظيم الدوله، بی تا. بازياى از <https://www.drsegeb.com/>
١٦. السقاف، علوى بن عبدالقادر، إعلان الخلافة الإسلامية - رؤية شرعية واقعية، سايت الدرر السنیه، بی تا.
١٧. العسقلانى، احمد بن على بن حجر، فتح البارى شرح صحيح البخارى، قاهره: دار البيان العربى، بی تا.



١٨. الفراء الحنبلي، ابي يعلى محمد بن حسين، الاحكام السلطانيه، بيروت: دار الكتب العلميه، چاپ اول، ٢٠٠٠.
١٩. الفقيه، عبدالغنى سلطان عبدالوهاب، الامامه بين الماوردى و الجوينى، قاهره: دار الكلمه، ١٤٣٦.
٢٠. القشيرى النيسابورى، ابي الحسين مسلم بن الحجاج بن مسلم، صحيح مسلم، عربستان سعودى: دار المنهاج، چاپ اول، ١٤٣٣.
٢١. الماوردى، ابوالحسن، الاحكام السلطانيه و الولايات الدينيه، مكتبه ابن قتيبه، چاپ اول، ١٣٠٩.
٢٢. المبارک، محمد، آراء ابن تيميه فى الدوله و مدى تدخلها فى المجال الاقتصادى، بيروت: دار الفكر، چاپ سوم، ١٩٧٠.
٢٣. المودودى، ابوالاعلى، نظريه الاسلام و هديه لى السياسه والقانون والدستور، دمشق: دار الفكر، چاپ دوم، ١٩٧٠.
٢٤. بخارى، ابو عبدالله محمد بن اسماعيل البخارى، صحيح البخارى، تحقيق د. مصطفى ديب البغا، بيروت: دار ابن كثير، چاپ سوم، ١٩٨٧.
٢٥. بن عثمان المصرى، ابو عبدالله على خالد بن محمد، الكواشف الجليه للفرق بين السلفيه و الدعوات الحزبيه البدعيه، بيروت: دار المحججه البيضاء، بى تا.
٢٦. رشيدرضا، محمد، الخلافه، قاهره: الزهراء، بى تا.
٢٧. سادات الشيخ، ابي سفيان عمرو احمد؛ ويعقوب النوفى، ابي زياد محمد محمود، حقيقه تنظيم الدوله داعش، الجزائر: دار المنهاج، چاپ دوم، ٢٠١٦.
٢٨. سمضار، صالح، نظام الخلافه فى الفكر الاسلامى المعاصر (پايان نامه ارشد)، بى تا.
٢٩. شبيه الحمد، ابومالك، وجوب البيعه لخليفه المسلمين ابوبكر الحسينى القرينى البغدادى، منهج التوحيد، چاپ دوم، بى جا، ١٤٣٨. بازيابى از www.menhajtoheed.wordpress.com
٣٠. صاحب بن عباد، المحيط فى اللغه، بيروت: عالم الكتب، ١٤١٤.
٣١. عبدالرزاق، على، الاسلام و اصول الحكم، قاهره: دار الكتاب المصرى، چاپ اول، ٢٠١٢.
٣٢. غزالى، ابو حامد محمد بن محمد، الاقتصاد فى الاعتقاد، بيروت: دار المنهاج، چاپ سوم، ١٤٣٣. قاسم، ياسر جاسم، عالم داعش خفايا و اسرار، بيروت: جيکور، چاپ اول، ٢٠١٦.